

# Futures Studies of Religious Identity in Iran Using the Causal Layered Analysis (CLA) Approach

**Mohammad Reza Heshmaty**

Ph.D. Candidate in Sociology of Social Issues in Iran, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran.

Email: rezaheshmaty1037@gmail.com

**Asadullah Babaei Fard**

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author).

Email: babaiefard@kashanu.ac.ir

**Mohsen Niazi**

Faculty Member, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran.

Email: niazim@kashanu.ac.ir

## Abstract

This study employs the Causal Layered Analysis (CLA) framework to explore possible future trajectories of religious identity in Iran, presenting four distinct scenarios. The Technology-Driven Scenario ("Digital Religion") envisions the integration of religion with digital technologies, whereby religious practices and rituals increasingly take place in virtual and online spaces. The Collapse Scenario ("Decline of Religious Identity") anticipates a marginalization of religion from the public and cultural spheres, reducing it to a private or symbolic phenomenon. The Continuity Scenario ("Sustainable Religion") posits that religion will maintain its role as a central cultural and social force while gradually adapting to societal changes through minor shifts in belief and practice. The Guardians of Values Scenario highlights the proactive role of individuals deeply committed to religious values who engage actively in preserving and disseminating religious norms within society. Building on these scenarios, the study offers policy-oriented recommendations in two domains: (1) social measures, including enhanced religious education and improved institutional engagement, and (2) cultural-economic strategies, such as addressing livelihood challenges and fostering supportive cultural environments. The findings suggest that overreliance on collective rituals—absent a strong foundation in religious knowledge, belief, and ethical reasoning—renders religious identity vulnerable to socio-technological disruptions. The research concludes by emphasizing the necessity of rethinking the paradigm of religious identity through the promotion of religious rationality alongside the preservation of ritual practices, in order to ensure a resilient, sustainable, and dynamic religious presence in contemporary Iranian society.

**Keywords:** Future studies, religious identity, causal layered analysis (CLA), Iran.



# آینده پژوهی هویت دینی در ایران با رویکرد تحلیل لایه‌های علت‌ها (CLA)

محمد رضا حشمتی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: rezaheshmaty1037@gmail.com

اسداله بابایی فرد

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: babaiefard@kashanu.ac.ir

محسن نیازی

استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: niazim@kashanu.ac.ir

## چکیده

این پژوهش با استفاده از رویکرد تحلیل لایه‌های علت‌ها (CLA)، چهار سناریوی بدیل برای آینده هویت دینی در ایران ارائه می‌دهد: سناریوی فناوری‌محور (دین دیجیتال) که در آن دین با فناوری تلفیق شده و آیین‌ها و مناسک مذهبی عمدتاً به شکل آنلاین و مجازی برگزار می‌شوند؛ سناریوی فروپاشی (افول هویت دینی) که در آن دین از مرکز زندگی اجتماعی و فرهنگی به حاشیه رانده شده و بیشتر به یک موضوع فردی یا فرهنگی تبدیل می‌شود؛ سناریوی دوام (دین پایدار) که در آن دین همچنان به‌عنوان محور فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود؛ اما با تغییرات جزئی در شیوه‌های اجرا و باورها، خود را با تغییرات اجتماعی وفق می‌دهد؛ و سناریوی چهارم (نگهبانان ارزش‌ها) که در آن افرادی با تعلق عمیق به هویت دینی، در ترویج ارزش‌های دینی در جامعه فعال‌اند و نقش مهمی در حفظ و گسترش این ارزش‌ها ایفا می‌کنند. در نهایت، پیشنهادهایی در دو جنبه اجتماعی (مانند آموزش دینی و تقویت ارتباط نهادها) و فرهنگی-اقتصادی (مانند توجه به معیشت و ایجاد فضای فرهنگی مناسب) برای تقویت هویت دینی ارائه می‌شود. وابستگی بیش از حد به مناسک و آیین‌های جمعی، بدون تقویت بنیان‌های معرفتی، اعتقادی و اخلاقی، می‌تواند هویت دینی را در برابر تغییرات اجتماعی و فناوری‌های نوین آسیب‌پذیر کند. بنابراین، بازنگری در پارادایم هویت دینی و تقویت عقلانیت دینی در کنار حفظ مناسک، ضرورتی انکارناپذیر است. این رویکرد می‌تواند هویت دینی جامعه ایران را در برابر چالش‌های نوظهور مقاوم‌تر ساخته و زمینه‌ساز زیستی دینی معقول، پایدار و پویا باشد.

**کلیدواژه‌ها:** آینده پژوهی، هویت دینی، تحلیل لایه‌های علت‌ها (CLA)، ایران



## مقدمه و بیان مسئله

هویت دینی یکی از ارکان اصلی هویت فردی و اجتماعی است که در جوامع مذهبی مانند ایران، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی افراد دارد. این هویت شامل ابعاد مختلفی همچون باورهای دینی، مناسک و شعائر، تعلقات اجتماعی، اخلاقیات و تعاملات فرهنگی است (قبری برزبان و همتی، ۲۰۱۵). هویت دینی همواره یکی از عناصر بنیادین هویت ملی و فرهنگی ایران بوده و نقشی کلیدی در تحولات اجتماعی و سیاسی این کشور ایفا کرده است. از دوران باستان تاکنون، باورهای مذهبی ایرانیان نه تنها به‌عنوان یک عامل انسجام‌بخش در جامعه عمل کرده‌اند، بلکه در شکل‌دهی به نظام‌های حکومتی و فرهنگی نیز مؤثر بوده‌اند. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نمونه‌ای بارز از تأثیر هویت دینی بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران است که موجب بازتعریف ساختارهای حکومتی، فرهنگی و اجتماعی کشور شد. این انقلاب با تأکید بر ارزش‌های اسلامی، مفاهیم جدیدی همچون ولایت‌فقیه و مشارکت دینی در سیاست را به ساختار حکومتی ایران وارد کرد و نشان داد که مذهب همچنان نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت اجتماعی و سیاسی این سرزمین دارد (شاهین، ۲۰۱۶).

با این حال، در دهه‌های اخیر، تحولات گوناگونی از جمله جهانی‌شدن، رشد فضای مجازی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، و پیشرفت فناوری، چالش‌های جدیدی را برای هویت دینی در ایران به وجود آورده‌اند. جهانی‌شدن و افزایش تعاملات فرهنگی بین‌المللی موجب تغییر در نگرش‌های دینی نسل جوان شده و زمینه را برای پذیرش سبک‌های زندگی متنوع فراهم کرده است (بهروزی لک و سرآبادانی تفرشی، ۲۰۲۴). رشد رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نیز موجب شده است که جوانان در معرض اطلاعات گوناگون قرار گیرند که گاه در تضاد با ارزش‌های دینی سنتی قرار دارد. این موضوع می‌تواند به تغییر در نوع باورها و میزان پایبندی افراد به هویت دینی منجر شود (مشکینی و همکاران، ۲۰۲۳). این تغییرات، اگرچه به معنای کاهش اهمیت دین در جامعه نیست؛ اما نشان از تغییر الگوهای دین‌داری و نحوه ارتباط افراد با نهادهای دینی دارد. پرسش اصلی این پژوهش این است که آینده هویت دینی در ایران با توجه به تحولات جهانی، اجتماعی و فناورانه چگونه خواهد بود؟ به‌عبارت‌دیگر، آیا هویت دینی در ایران تقویت خواهد شد، تضعیف خواهد گشت، یا در قالبی جدید و متفاوت بازتعریف خواهد شد؟ برای پاسخ به این پرسش، لازم است عوامل کلیدی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تحول هویت دینی در ایران شناسایی شوند و سناریوهای احتمالی برای آینده این هویت مورد بررسی قرار گیرند. اهمیت انجام این پژوهش از چند جهت قابل

توجیه است. نخست، با وجود نقش پررنگ هویت دینی در جامعه ایران، مطالعات آینده‌پژوهانه در این حوزه محدود بوده و عمدتاً به بررسی وضعیت کنونی هویت دینی پرداخته‌اند (قنبری برزبان و همتی، ۲۰۱۵)؛ دوم، شناخت روندهای آینده هویت دینی می‌تواند به سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی کمک کند تا برنامه‌های مناسبی برای تقویت هویت دینی و کاهش اثرات منفی تغییرات اجتماعی تدوین کنند (سرخیل، ۲۰۱۹)؛ سوم، از آنجاکه هویت دینی بر سایر ابعاد اجتماعی و سیاسی جامعه تأثیرگذار است، درک تحولات آن می‌تواند به شناخت بهتر چالش‌های پیش‌رو و تدوین راهکارهای مناسب برای مدیریت تغییرات فرهنگی کمک کند (مشکینی و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به این مسائل، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با استفاده از رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها<sup>۱</sup> که توسط سهیل عنایت‌الله مطرح شده است، عوامل مختلف تأثیرگذار بر هویت دینی در ایران را مورد بررسی قرار دهد. این روش با تحلیل لایه‌های مختلف واقعیت، از سطح توصیفی تا اسطوره‌ها و استعاره‌های بنیادین، امکان درک عمیق‌تری از روندهای اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند (بهروزی لک و سرآبادانی تفرشی، ۲۰۲۴). در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. چه عواملی بر شکل‌گیری و تحول هویت دینی در ایران تأثیرگذار هستند؟
۲. سناریوهای محتمل برای آینده هویت دینی در ایران چیست؟
۳. چه راهکارهایی را می‌توان برای حفظ و تقویت هویت دینی در جامعه ایران ارائه داد؟

### ۱. پیشینه پژوهش

«مجدولین عزیز»<sup>۲</sup> و «مازن عزیز»<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «شکل‌گیری هویت دینی مسلمان: عوامل تقویت‌کننده هویت دینی مسلمان در میان نمونه‌ای از دانشجویان مسلمان دانشگاهی» انجام داده‌اند. این مطالعه به بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های هویت دینی مسلمانان در یک نمونه از دانشجویان مسلمان (N=194) پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی بوده است و تحلیل رگرسیون چند متغیره رابطه بین هویت دینی مسلمانان و خودشناسی، احساس تعلق، تأیید، مشارکت دینی در آیین‌های مذهبی، ویژگی‌های خانواده، ویژگی‌های همسالان، مشارکت

1. Causal Layered Analysis - CLA

2. Majdoulina Aziz

3. Mazen Aziz

سازمانی ساختاریافته، منطقه سکونت، دانشگاه و تجربه بحران را مورد بررسی قرار داد. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای ارزیابی اینکه آیا تجربه یک رویداد تروریستی می‌تواند نسبت قابل توجهی از واریانس هویت دینی مسلمانان را توضیح دهد یا خیر، یافته‌ها نشان داد که خودشناسی، احساس تعلق، تأیید، زندگی در مناطق حومه‌ای و تجربه بحران از عوامل پیش‌بینی کننده مهم هویت دینی مسلمانان هستند. مطالعه همچنین نشان داد اگرچه تجربه بحران بخش قابل توجهی از هویت دینی مسلمانان را توضیح می‌دهد، اما خودشناسی، احساس تعلق و تأیید پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری هستند.

«نوویانتی»<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش با عنوان «نقش خانواده در شکل‌گیری هویت مسیحی در کودکان» نشان دادند که نقش والدین در الگوسازی، تربیت و تجلیل از فعالیت‌های مذهبی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت مسیحی در کودکان دارد. عادات مذهبی در خانواده، از جمله نماز جمعی و شرکت در عبادت کلیسا، نیز نقش مهمی در تحکیم هویت دینی ایفا می‌کند. عوامل محیطی اجتماعی، به‌ویژه مشارکت خانواده در جوامع دینی و آموزش دینی مسیحی، تجارب مذهبی کودکان را غنی می‌کند. با این حال، چالش‌هایی مانند تأثیر محیط‌های سکولار و تغییرات فرهنگی نیز در پویایی شکل‌گیری هویت مسیحی نقش دارند. انتظار می‌رود نتایج این تحقیق درک عمیق‌تری از پیچیدگی تعاملات بین خانواده‌ها و هویت مسیحی کودکان ارائه دهد. پیامدهای این تحقیق ممکن است به توسعه برنامه‌های آموزش دینی مسیحی کمک کند و راهنمایی‌هایی را برای خانواده‌های مسیحی در هدایت فرزندانشان به سمت هویت دینی استوار ارائه کند.

«روئی پینگ زانگ»<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) با عنوان «سبک‌های فرزندپروری و اعتیاد به اینترنت در نوجوانان چینی: آگاهی به‌عنوان یک میانجی و حمایت معلم به‌عنوان یک مداخله‌گر مؤثر» پژوهشی انجام داده است که سؤال اصلی پژوهش این است که آیا وجدان کاری واسطه‌ای است و حمایت معلمان تعدیل‌کننده رابطه سبک‌های فرزندپروری با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان چینی است یا خیر. روش تحقیق پیمایشی بوده است، داده‌ها از یک مطالعه مقطعی شامل ۱۷۸۳ دانش‌آموز ۱۱ تا ۱۸ ساله از استان هنان، چین جمع‌آوری شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) نشان داد که سبک‌های فرزندپروری به‌طور غیرمستقیم از طریق وجدان کاری با اعتیاد به اینترنت مرتبط

1. Noviyanti

2. Rui-ping Zhang a

هستند. والدین که با سبک‌های خاصی فرزندانشان را پرورش می‌دهند، تأثیرات غیرمستقیمی بر اعتیاد به اینترنت دارند. به‌علاوه، حمایت معلم نقشی در تعدیل ارتباط بین رفتارهای والدین و اعتیاد به اینترنت دارد. این موضوع به این معناست که وقتی حمایت معلمان بیشتر است، ارتباط مثبت بین انکار والدین و اعتیاد به اینترنت برای نوجوانان معنی‌دارتر می‌شود.

«اسمیت و آدامچیک»<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «دین‌داری والدین، سبک‌های فرزند پروری و انتقال دینی بین نسلی» انجام دادند که به بررسی تأثیرات مستقیم و مستقل مذهبی بودن والدین و تا حدی سبک‌های فرزندپروری آن‌ها بر نتایج مذهبی فرزندان می‌پردازند. روش تحقیق این پژوهشی پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است داده‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که چگونه سبک‌های فرزندپروری رابطه بین اهمیت مذهبی والدین و اهمیت مذهبی و حضور در مراسم مذهبی فرزندان بالغ را تعدیل می‌کند. این نتایج نشان می‌دهد رویکرد مقتدرانه، که در آن والدین ترکیبی از انتظارات بالا و مشارکت با فرزندان را با گرمای عاطفی و ارتباطات خوب ترکیب می‌کنند، می‌تواند به والدین مذهبی کمک کند تا مذهب را به فرزندانشان منتقل کنند. همچنین نقش مذهب در تقویت ارتباط بین والدین را بررسی می‌کند و زمینه و بینش مهمی برای درک رابطه بین تنبیه بدنی و مذهب ارائه می‌دهد. که استفاده از یک رویکرد فرزندپروری مقتدرانه که به گرمی عاطفی و ارتباط مثبت با فرزندان توجه دارد، می‌تواند نقش تعدیل‌کننده‌ای در ارتباط بین اهمیت مذهبی والدین و اهمیت مذهبی و حضور کودکان بزرگسال ایفا کند. در واقع، این یافته‌ها نشان می‌دهند که والدین مذهبی‌تر با استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه، می‌توانند بهتر دین خود را به فرزندان خود منتقل کنند. علاوه بر این، پژوهش نشان می‌دهد که نقش دین در تقویت ارتباط بین والدین نیز حائز اهمیت است. این درک مفیدی ارائه می‌دهد که چگونه مذهب می‌تواند در بهبود ارتباطات خانوادگی و تقویت ارتباط بین والدین نقش داشته باشد. همچنین، پژوهش به بررسی رابطه میان تنبیه بدنی و مذهب پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این دو عامل با یکدیگر مرتبط هستند و چه تأثیری بر رفتارهای کودکان می‌گذارند.

«اس. پورنما»<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «آیا سبک‌های فرزندپروری و باورهای مذهبی برای مشکلات رفتاری کودک اهمیت دارد؟ نقش واسطه‌ای سواد دیجیتال»

1. Smith and Adameczyk

2. S Purnama

انجام داده است؛ این مطالعه با هدف بررسی نقش باورهای مذهبی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان و همچنین بررسی نقش میانجی‌گری سواد دیجیتال در تبیین این رابطه انجام شده است. این تحقیق از یک رویکرد کمی بر اساس پرسش‌نامه‌ای که به والدین با پیشینه‌های مذهبی مختلف ارائه شد و در یک نظرسنجی آنلاین شرکت کردند، استفاده کرده است. از نظر روش‌شناسی، از مدل‌یابی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (SEM-PLS) برای تحلیل و افزایش درک پدیده مورد مطالعه استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که باورهای مذهبی می‌تواند بر سبک‌های والدین مقتدرانه تأثیر بگذارد و بر سواد دیجیتال تأثیر منفی بگذارد. در عین حال، سواد دیجیتالی بر رفتار منفی کودکان تأثیری ندارد. این مطالعه به تشریح تحقیقات قبلی در مورد باورهای مذهبی و سبک‌های فرزندپروری و همچنین کمک به علوم مرتبط با سواد دیجیتال و رفتار کودکان می‌پردازد.

مجیدرضا جهان‌مهین و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مطالعه علمی رابطه استفاده از فضای مجازی و هویت دینی دانش‌آموزان دبیرستانی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی متوسطه دوم شهر جهرم)» رابطه استفاده از فضای مجازی و هویت دینی را بررسی کرده‌اند روش به کار رفته در این پژوهش آن‌ها، پیمایش است. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم شهر جهرم می‌باشند که تعداد تقریبی آن‌ها در سال ۱۴۰۰ حدود ۷۰۰۰ نفر است، که ۳۷۵ نفر به‌عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه است که برای تعیین اعتبار آن از روش اعتبار صوری و برای تعیین پایایی، از شیوه هماهنگ درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که نشان دادند فضای مجازی (کل) و هویت دینی (کل) رابطه معنادار دارند. فضای مجازی (کل) بر هویت احساسی و عملی دانش‌آموزان تأثیر دارد، اما رابطه فضای مجازی (کل) با هویت اعتقادی دانش‌آموزان معنادار نیست. در بین متغیرهای جمعیتی رابطه جنس، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، نوع مدارس، تحصیلات پدر، طبقه اجتماعی با هویت دینی دانش‌آموزان معنادار است. تبیین متغیر وابسته بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است. متغیرهای هدف از فعالیت و مشارکت در فضای مجازی، فضای مجازی (کل)، نگرش نسبت به محتوای مطالب در فضای مجازی، طبقه اجتماعی، جنس، شغل مادر، رشته تحصیلی، شغل پدر، تحصیلات پدر به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده هویت دینی دانش‌آموزان هستند و قادرند ۰/۱۵۱ از تغییرات واریانس هویت دینی را تبیین کنند.

کتایون حمیدی زاده و فاطمه سادات جنید (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی و دینی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی» به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی و دینی در کتاب‌های درسی پرداخته‌اند، به همین منظور از روش تحلیل محتوای کمی استفاده کرده‌اند جامعه آماری پژوهش شامل محتوای تمامی کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ از پایه اول تا ششم بوده که تمامی حجم جامعه مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش، تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی و دینی است که پیش از این پژوهش توسط صانعی مهر و رزم‌آزما تنظیم شده است و روایی آن از طریق روایی محتوایی و پایایی آن از طریق روش اسکات با ۸۱/۳۰ درصد مجدد محاسبه شد؛ یافته‌ها نشان دادند که مؤلفه‌های هویت ملی بیشتر از هویت دینی دیده شده‌اند؛ از میان مؤلفه‌های فرعی هویت ملی، هویت اجتماعی و هویت فرهنگی بیشترین میزان توجه و هویت سیاسی کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند. از میان مؤلفه‌های فرعی هویت دینی نیز بیشترین میزان توجه به ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی و کمترین میزان توجه به سیره زندگی مبتنی بر دین است. همچنین بیشترین کاربرد مؤلفه هویت ملی، در متن کتاب‌های فارسی و کمترین میزان استفاده در پرسش‌ها و بیشترین کاربرد مؤلفه هویت دینی در متن و کمترین میزان استفاده در تصاویر بوده است. هویت دینی بنا بر دلایلی متعدد تاریخی و عناصری مانند مذهب، تدین، معنویت جز پایدار هویت ایرانیان محسوب می‌شود و نباید پرورش هویت ملی و دینی در دانش‌آموزان از یکدیگر جدا باشد. نتایج نشان می‌دهد هویت ملی بیشتر مورد توجه بوده است و در کتاب‌های درسی از پرداختن به هویت دینی دانش‌آموزان غفلت شده است.

زهره موسی زاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل ساختاری رابطه بین ارتباط والد-فرزند و هویت ایرانی-اسلامی با میانجی‌گری عزت نفس در دانشجویان» به بررسی رابطه بین ارتباط والد-فرزند و هویت ایرانی اسلامی پرداختند. روش تحقیق ز نوع همبستگی بوده است جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال بود که تعداد ۲۶۲ نفر از ایشان به روش نمونه‌گیری در دسترس برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته هویت ایرانی-اسلامی و پرسش‌نامه‌های استاندارد ارتباط والد-فرزند و عزت نفس روزنبرگ جمع‌آوری شد. روایی سازه پرسش‌نامه محقق ساخته با تحلیل عاملی تأییدی و برازش مدل مفهومی پژوهش با مدل یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار AMOS بررسی شد. یافته‌ها نشان دادند که اثر مستقیم ارتباط والد-فرزند

و عزت نفس بر هویت ایرانی- اسلامی معنادار بود و عزت نفس، رابطه بین ارتباط والد- فرزند و هویت ایرانی- اسلامی را به صورت منفی و معنادار میانجی گری نمود. ارتباط والد- فرزند و عزت نفس ۴۸ درصد از واریانس هویت ایرانی- اسلامی را در دانشجویان تبیین کرد.

هاجر دارایی تبار (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان « تأثیر فضای مجازی (اینترنت) بر تربیت و هویت دینی دانش آموزان (تهدیدها و راهکارها) » نشان داد که مهم ترین تهدیدهای فضای مجازی عبارت است از: ضعف بینش دینی و سهل انگاری در انجام واجبات دین، تعارض ارزش ها و شکاف نسل ها، ترویج فرهنگ برهنگی و گسترش بدحجابی، تضعیف بنیان خانواده و نارضایتی خانوادگی و بحران هویت دینی. برای کاهش آثار منفی این فضای چالشی می توان به اهمیت نقش اساسی و الگویی خانواده و مربیان مدرسه در تربیت دینی دانش آموزان اشاره کرد؛ همچنین نباید از نقش مهم دولت در فرهنگ سازی استفاده بهینه از فضای مجازی غافل شد. مهم ترین اقدام نهادهای مربوط در زمینه پیشگیری از جرائم و آثار منفی فضای مجازی، ترویج و تثبیت باورهای دینی بر اساس اصول تربیت دینی، ارتقای سواد رسانه ای و اقدام به موقع جهت کاهش آسیب های ناشی از سوءاستفاده از این فضا است.

جواد رفیعی راد (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان « بررسی میزان تأثیر فضای مجازی بر باورها و اعتقادات کاربران شبکه های اجتماعی » پرداخته است؛ این پژوهش از نوع کاربردی و به روش آمیخته اجرا گردیده است. جامعه مورد مطالعه کاربران فضای مجازی بوده و روش گردآوری اطلاعات، ضمن استفاده از پرسش نامه، به صورت کتابخانه ای و میدانی است که با استفاده از اسناد و مدارک و منابع مطالعاتی سعی در تدوین داده ها گردید که شبکه های اجتماعی مجازی در فرایند ارتباطات تأثیرگذار بوده نتایج نشان داد که بین مدت زمان عضویت و میزان استفاده از شبکه های مجازی رابطه معکوس و بین واقعی تلقی کردن محتوای شبکه های مذکور و هویت دینی کاربران رابطه مثبتی وجود دارد. یعنی هرچه مدت زمان عضویت و میزان استفاده از اینستاگرام و تلگرام افزایش پیدا کند، هویت دینی کاربران ضعیف تر می شود. در پایان محقق پیشنهادهای کاربردی را ارائه نموده است.

فاطمه رجب تبار درویشی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان « رابطه بین سبک های فرزند پروری با نگرش مذهبی و سلامت روانی دانش آموزان دختر » پرداخته است؛ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی ساده و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری آن، تعداد ۳۳۶ نفر دانش آموز دختر را در برمی گرفت که به شیوه

نمونه‌گیری تصادفی ساده‌گزینه‌ش شدند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک فرزندپروری مستبدانه و سلامت روان رابطه منفی معنادار وجود دارد اما بین دو سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه با سلامت روان رابطه معناداری وجود ندارد همچنین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه با مقتدرانه دارای رابطه مثبت معناداری هستند. بدین معنا که با افزایش میزان استفاده از این دو سبک، میزان نگرش مذهبی در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد؛ اما بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و نگرش مذهبی رابطه معناداری یافت نشد

محمد عباس زاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش «بررسی تأثیر رسانه‌های داخلی و خارجی بر میزان پایبندی به سبک زندگی دینی در بین شهروندان ۶۵-۱۵ ساله شهر تبریز»، پرداخته‌اند و از روش پژوهشی پیمایشی استفاده کرده‌اند که به بررسی تأثیر رسانه‌های داخلی و خارجی بر میزان پایبندی به سبک زندگی دینی در بین شهروندان ۶۵-۱۵ ساله شهر تبریز پرداخته‌اند. داده‌ها توسط پرسش‌نامه و از نمونه‌ای با حجم ۷۰۶ نفر که از فرمول کوکران به دست آمده، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی، گردآوری شده و تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داد که همبستگی معنی‌دار و مستقیمی بین میزان استفاده از رسانه‌های داخلی (اعم از تلویزیون و رادیو) با میزان پایبندی به سبک زندگی دینی را نشان دادند. در مقابل، همبستگی معنی‌دار و معکوسی بین میزان تماشای ماهواره، استفاده از اینترنت و میزان استفاده از رسانه‌های جهانی با میزان پایبندی به سبک زندگی دینی وجود دارد؛ بنابراین، طبق الگوی رگرسیونی مهم‌ترین متغیرهایی که در تبیین میزان پایبندی به سبک زندگی مذهبی شهروندان ایفای نقش می‌کنند، ماهواره و تلویزیون داخلی‌اند.

مطالعه موسی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی رابطه بین ارتباط والد-فرزند و هویت ایرانی-اسلامی با میانجی‌گری عزت‌نفس در دانشجویان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که عزت‌نفس نقش میانجی در رابطه بین ارتباط والد-فرزند و هویت ایرانی-اسلامی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، کیفیت ارتباط والد-فرزند می‌تواند از طریق افزایش عزت‌نفس، تأثیر مثبتی بر شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی دانشجویان داشته باشد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که ۴۸ درصد از واریانس هویت ایرانی-اسلامی توسط این متغیرها تبیین شده است که اهمیت عوامل خانوادگی و فردی را در شکل‌گیری هویت دینی و ملی تأیید می‌کند.

مطالعات بررسی‌شده نشان می‌دهند که عوامل متعددی بر هویت دینی تأثیرگذارند. نقش خانواده و سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین

متغیرهای تأثیرگذار مورد تأیید قرار گرفته است (مجدولین و مازن، ۲۰۲۳؛ اسمیت و آدامچیک، ۲۰۲۲؛ نوویانتی و همکاران، ۲۰۲۲). فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال نیز یکی دیگر از عوامل مهم است که می‌تواند هویت دینی را تضعیف کند یا تغییر دهد (جهان مهین و همکاران، ۱۴۰۲؛ دارایی‌تبار، ۱۳۹۹؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه می‌توانند نقش مثبتی در تقویت هویت دینی داشته باشند، درحالی‌که سبک‌های مستبدانه می‌توانند اثرات منفی بر سلامت روانی و نگرش‌های مذهبی فرزندان داشته باشند (رجب‌تبار درویشی و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج این مطالعات می‌توانند راهنمایی ارزشمند برای پژوهش‌های آینده در زمینه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر هویت دینی باشند و همچنین به سیاست‌گذاران فرهنگی کمک کنند تا استراتژی‌های مؤثرتری برای حفظ و تقویت هویت دینی در جامعه تدوین کنند.

## ۲. چهارچوب نظری

بین جامعه‌شناسان اجماعی وجود دارد مبنی بر اینکه دین از منابع مهم معنا بخشی به زندگی است. به نظر ماکس وبر تمام ادیان در طول تاریخ تلاش کرده‌اند نیاز به معنی را رفع کنند. هدف و کارکرد تمام ادیان و پیامبران، درک‌پذیر کردن جهان و معنا بخشیدن به زندگی با خلق نظام‌های ارزشی است (سراج‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۲: ۸). علاوه بر کارکرد معنا بخشی، پژوهشگران به بررسی و مقایسه تجارب دین‌داران و غیردین‌داران در راستای فهم جهان پیرامون نیز توجه کرده‌اند. میرچاد الیاده برای تحلیل تجربه دینی به‌صورتی که برای انسان دین‌دار رخ می‌نماید، تجربه انسان دین‌دار و غیر دین‌دار را مقایسه می‌کند. به باور او این تجربیات و اعمال برای انسان‌های مذهبی مقدس‌اند و در رابطه با امر قدسی درک و تعریف‌شدنی‌اند. برای مثال درباره مکان، انسان مذهبی از طریق نقطه ثابتی که مکان مقدس در آن بنا شده است تصور خود را از جهان کیهانی انسجام می‌بخشد و بی‌نظمی عالم را به این شیوه توجیه‌پذیر می‌کند؛ درحالی‌که تجربه نامقدس از مکان به‌صورت قطعات درهم‌شکسته و توده بی‌شکلی نمایان می‌شود (الیاده، ۱۳۷۸: ۲۲). ضمن آنکه میان صور گوناگون فرهنگی، همواره دین از کهن‌ترین صورت‌های فرهنگی و از ویژگی‌های برجسته و فراگیر حیات انسانی برشمرده شده است که از سپیده‌دم تاریخ تا به امروز به صورت‌های گوناگون، کهن‌ترین فرهنگ‌های بشری را همراهی می‌کند. سابقه اندیشه اجتماعی درباره دین، به قدمت اندیشه‌ورزی‌های اجتماعی بشر است که فلاسفه و متکلمان هر عصر از گذشته‌های دور

انجام داده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰). در جوامع امروزی رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی به یکی از مهم‌ترین منابع اثرگذار بر نگرش و کنش افراد تبدیل شده‌اند؛ سازمان‌های رسانه‌ای پیام‌ها را پخش می‌کنند تا بر فرهنگ جامعه تأثیر بگذارند؛ از این‌رو، رسانه‌های جمعی به بخشی از نیروهای اصلی و نهادی جامعه تبدیل می‌شوند (باهنر و جعفری، ۱۳۹۱). رسانه‌ها، از طریق جلب و توجه مخاطبان به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تأثیرگذار بر ارزش‌های آنان می‌باشند. دین‌داری نیز یکی از این ارزش‌هاست که تحت تأثیر رسانه‌ها شکل گرفته و قابل تغییر است. درباره تأثیر رسانه‌ها بر دین‌داری، برخی افراد مانند پیتر هورسفیلد، ویلیام فور و نیک کولدری معتقدند که به دلیل ارتباط رسانه‌ها با اقتصاد جهانی، محتوا و شکل آن‌ها از ابعاد دینی خارج شده و به وضع موجود و منافع مالکان متمایل است. به عبارت دیگر، رسانه‌ها عمدتاً وظیفه حفظ وضع موجود و خدمت به منافع مالکان خود را برعهده دارند. هورسفیلد به‌عنوان مثال تلویزیون را مورد بررسی قرار داده و اظهار داشته که ویژگی‌های اصلی تلویزیون، به‌عنوان یک ابزار، نه ویژگی‌های مذهبی مانند وحی و سنت هستند؛ بلکه به‌طور عمده برای تفریح، سرگرمی، جلب توجه و ایجاد رضایت مخاطبین مورد استفاده قرار می‌گیرند. ارتباط تنگاتنگ دین و رسانه نیز سبب طرح مفهوم «دین رسانه‌ای» شده است. دین رسانه‌ای گفتمان جدیدی است که در آن منش ارتباطات دینی و حتی موضوع و کارکرد گفتمان دینی تغییر می‌کند. دین رسانه‌ای با بازتولید دین، موجبات بازنمایی آن را فراهم و با تغییر موقعیت دین در افکار عمومی، هویت دینی جدیدی متأثر از عوامل فرهنگی ایجاد می‌کند (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۲). در این راستا، یورگن هابرماس بر اهمیت تعامل و گفت‌وگو در شکل‌گیری هویت تأکید دارد و بیان می‌کند که هویت دینی در فرایند گفتگوهای اجتماعی و تعامل با سایر اعضای جامعه تقویت می‌شود. او معتقد است که تعامل میان پیروان ادیان مختلف و جامعه گسترده‌تر، می‌تواند به پویایی و ثبات هویت دینی کمک کند (هابرماس، ۲۰۰۸). هویت دینی تحت تأثیر عوامل متعددی شکل می‌گیرد که از مهم‌ترین آن‌ها خانواده، جامعه و محیط اجتماعی، فرهنگ و رسانه و تجربیات شخصی هستند. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقشی کلیدی در انتقال باورهای دینی و شکل‌دهی هویت دینی فرزندان ایفا می‌کند. والدین با ارائه الگوهای دینی، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف هویت دینی فرزندان داشته باشند (اسمیت و دنتون، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، محیط اجتماعی و فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند، تأثیر مستقیمی بر میزان پایبندی او به هویت دینی دارد. جوامعی که دارای ساختارهای دینی قوی هستند، معمولاً شاهد

میزان بیشتری از دین‌داری و انسجام هویت دینی در میان اعضای خود هستند (برگر، ۱۹۹۹). نقش فرهنگ و رسانه در شکل‌گیری و تغییر هویت دینی نیز غیرقابل انکار است. رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی مدرن موجب شده‌اند که اطلاعات دینی به سرعت در سطح جهانی گسترش یابد. این امر از یک‌سو می‌تواند موجب افزایش آگاهی دینی شود و از سوی دیگر، ممکن است منجر به تغییر نگرش‌های مذهبی و شکل‌گیری سبک‌های دین‌داری جدید گردد (کمبل و تسویا، ۲۰۱۷). علاوه بر این، تجربیات شخصی نقش مهمی در تقویت یا تضعیف هویت دینی افراد ایفا می‌کنند. مواجهه با بحران‌های زندگی، تحولات فکری و تعامل با گروه‌های مذهبی می‌تواند منجر به بازنگری در باورهای دینی و حتی بازتعریف هویت دینی فرد شود (ووتنو، ۱۹۹۸).

بر اساس نظریه ساخت‌یابی<sup>۱</sup> گیدنز استنباط می‌شود شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول کنش معنادار بین افراد هستند؛ اما پس از شکل گرفتن، محدودیت‌هایی را بر اعمال اعمال می‌کنند. ساختار این شبکه‌ها بر بازتولید یا تکرار رفتارهاست. گیدنز جامعه‌شناسی متأخر را جامعه‌شناسی جهانی‌شدن<sup>۲</sup> می‌داند؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی جهانی‌شدن، چندبعدی بودن آن است. او معتقد است جهانی‌شدن، بنیان‌های هویت و فرهنگ را در جامعه کنونی دگرگون کرده است. گیدنز معتقد است روابط انسانی از جمله روابط صمیمانه بین انسان‌ها هستند که تأثیر مهمی در تکوین هویت انسانی دارند و در دنیای مدرن دچار دگرگونی شده‌اند. حقوق و وظایفی که اعضای خانواده سنتی را به هم پیوند می‌داد، بیشتر ضعیف شده‌اند. ما دیگر نمی‌توانیم به حمایت خویشاوندان دلگرم باشیم و به آن‌ها اعتماد کنیم. به دلیل ضعف نهادهای سنتی وحدت‌بخش، افراد ناچارند نسبت به گذشته بیشتر به خود متکی باشند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۸). به نظر گیدنز هویت افراد بر اساس آگاهی و هم توسط شرایط و موقعیت‌های اجتماعی در زمان و مکان شکل می‌گیرد. وی معتقد است که عملکردهای اجتماعی روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خودآگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرایند ساخت‌یابی قرار می‌دهد، به‌ویژه در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به‌زعم وی هر چیزی در زندگی اجتماعی از آنچه سیستم‌های جهانی در برمی‌گیرند تا آنچه که وضعیت فکری یک فرد محسوب می‌شود در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می‌آید. از همین‌رو گیدنز معتقد است که هویت فرد در روند

1. Construction

2. Sociology of globalization

ساخت‌یابی و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و نیز آگاهی فرد شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱).

گیدنز به رابطه میان امر بیرونی و امر درونی توجه شایانی می‌کند، به‌خصوص به دلیل تأثیری که این رابطه بر روابط شخصی و ماهیت هویت شخصی می‌گذارد. وی معتقد است روابط انسانی - از جمله روابط صمیمانه بین انسان‌ها که تأثیر مهمی در تکوین هویت انسانی دارند - در دنیای مدرن دگرگون شده‌اند. «طبق دیدگاه گیدنز، روابط شخصی به‌طور فزاینده‌ای از قیدوبندهایی آزاد می‌شوند که بیرون از این روابط هستند؛ برای مثال، هر قدر اقتصاد سرمایه‌داری، رسانه‌ها، نهادهای رسمی آموزشی و سایر نظام‌های انتزاعی، تعهد افراد را بیشتر به خود جلب می‌کنند، ماهیت اجباری حقوق و وظایف به هم پیوند دهنده اعضای خانواده سنتی بیشتر تضعیف می‌شود. ما دیگر نمی‌توانیم برای برخورداری از همراهی‌های شایسته اعتماد، به وجود شبکه‌ای از خویشاوندان دلگرم باشیم؛ باین‌حال، از ضرورت کمک کردن به اقوامی آزادیم که نفعی در همراهی با آن‌ها نمی‌بینیم؛ زیرا هنوز هیچ نظام انتزاعی جایگزینی برای خانواده یا اجتماع روستایی منسجم پدید نیامده است. جستجو و پی‌ریزی این روابط اعتماد‌آمیز با دیگران بر عهده فرد است؛ روابطی که برای حفظ تمامیت نفس [خود] همچنان ضرورت دارند» (کسل، ۱۳۸۳: ۴۸). نقطه تمرکز نظریه ساخت‌یابی گیدنز، بر مفهوم جدایی زمان از مکان است. طبق فرض گیدنز، تغییرات ساختاری در قدرت به دلیل سطوح چندگانه جهانی‌شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های فناورانه و مردم‌سالاری سیاسی گسترده، تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان را سبب شده‌اند. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان، یکنواخت و هم‌بسته بودند (یعنی مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر تمایل داشتند)؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته، گسترش یافتن ظرفیت ما برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان به‌صورت مجزا از یکدیگر است. به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره با خود کنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شوند و فناوری‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربه‌های رسانه‌ای شده، رویدادهای متفاوت را به درون آگاهی روزمره وادار می‌کنند و به احساس بی‌امنیتی و واژگونی واقعیت منجر می‌شوند. برای وی، تجربه‌های رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند و به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و تغییردهنده روایتی هستند که ما درباره دیگران داریم (لوفی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۹۷). در مجموع،

هویت دینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های هویت فردی و اجتماعی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و فلسفی قرار دارد. درک این عوامل می‌تواند به تحلیل عمیق‌تر این مفهوم و شناخت چگونگی تحولات آن در جوامع مختلف کمک کند.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) که نخستین بار توسط عنایت‌الله (۱۹۹۸) معرفی شد، در کنار تکنیک سناریونویسی انجام گرفته است. این روش از نظر ماهیت، کیفی و از لحاظ رویکرد، اکتشافی محسوب می‌شود (فاتح راد و همکاران، ۱۳۹۲). تحلیل لایه‌ای علت‌ها به‌عنوان یک نظریه، تلاش دارد مدل‌های گوناگون شناخت از جمله تجربه‌گرایانه، تفسیرگرایانه، انتقادی و یادگیری را با یکدیگر تلفیق کند. به‌عنوان یک روش، هدف اصلی آن نه پیش‌بینی آینده بلکه ایجاد فضاهای تحول‌ساز برای شکل‌دهی به آینده‌های بدیل است (عنایت‌الله، ۲۰۰۴: ۸). ویژگی بارز روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، تمرکز آن بر بُعد عمودی آینده‌پژوهی است که به بررسی لایه‌های عمیق‌تر تحلیل می‌پردازد. این روش تنها در سطح ظاهری باقی نمی‌ماند، بلکه با حرکت بین لایه‌های مختلف، امکان دستیابی به درکی جامع‌تر از موضوع را فراهم می‌کند (عنایت‌الله، ۲۰۰۴: ۱۶). بهترین کاربرد این روش زمانی است که در کنار سایر روش‌های آینده‌پژوهی مانند تحلیل روندهای نوظهور و چشم‌اندازسازی به کار گرفته شود (عنایت‌الله، ۲۰۰۵: ۱۹). برای آینده‌پژوهی یک موضوع خاص، لازم است طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی که بر آینده آن تأثیرگذار هستند، بررسی شوند. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) شامل چهار سطح تحلیل است. در لایه لیتانی، نمای سطحی و آشکار موضوع بررسی می‌شود؛ در واقع، آنچه در رسانه‌ها، گزارش‌ها و گفت‌وگوهای عمومی به‌عنوان مسئله مطرح می‌شود، در این لایه قرار دارد. لایه نظام‌های علی به ریشه‌های مسئله می‌پردازد و علل اساسی و ساختاری را که موجب بروز آن شده‌اند، شناسایی می‌کند. در لایه گفتمان - جهان‌بینی، چهارچوب‌های فکری و مفاهیم کلانی که پشت مسئله قرار دارند، تحلیل می‌شوند و این مرحله امکان بازتعریف مسئله و نقد بنیان‌های فکری آن را فراهم می‌کند. در نهایت، لایه اسطوره - استعاره به‌عنوان عمیق‌ترین سطح تحلیل، استعاره‌ها و روایت‌های بنیادینی را بررسی می‌کند که درک و نگرش افراد نسبت به مسئله را شکل می‌دهند (کرامت‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲). در پژوهش حاضر، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با متخصصان، وضعیت موجود

مفهوم محله در هر چهار سطح روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها بررسی شده است. در مرحله بعد، تحلیل‌ها از سطح عمیق‌ترین لایه (اسطوره-استعاره) آغاز شده و استعاره‌های بدیل برای مفهوم محله از دیدگاه متخصصان استخراج گردیده است. سپس، گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌هایی که از این استعاره‌های بدیل حمایت می‌کنند، شناسایی شده‌اند. بر این اساس، علل کلان اجتماعی جدیدی که این گفتمان‌ها را تقویت می‌کنند، تبیین شده‌اند. در نهایت، سناریوهایی متناسب با این تحلیل‌ها ارائه گردید و برای اعتبارسنجی، مجدداً سناریوها به متخصصان ارائه شده و پس از دریافت بازخورد، اصلاحات لازم در آن‌ها اعمال شد.

#### ۴. روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای دستیابی به اطلاعات مرتبط با چهار لایه تحلیل لایه‌ای علت‌ها لایه مشهود مسئله، علل کلان اجتماعی، گفتمان-جهان‌بینی و استعاره-اسطوره پژوهش حاضر از ترکیب مطالعه ادبیات موضوع و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته بهره برده است. در مرحله نخست، با مطالعه منابع علمی مرتبط، سؤالات اولیه مصاحبه طراحی شد. سپس، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، متخصصانی که بیشترین ارتباط و درگیری را با موضوع پژوهش داشتند، انتخاب شدند. برای اجرای مصاحبه‌ها، ابتدا روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به مشارکت‌کنندگان معرفی شد. سپس، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان شامل آگاهی تخصصی و فعالیت عملی در حوزه پژوهش بود. علاوه بر این، برخی از مصاحبه‌شوندگان، افراد خبره دیگری را برای مصاحبه پیشنهاد کردند که نشان‌دهنده روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی است. حجم نمونه بر اساس معیار اشباع نظری تعیین شد، به این معنا که روند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جدید، ارزش افزوده‌ای به تحلیل‌ها اضافه نکرد. یکی از چالش‌های پژوهش‌های کیفی، اطمینان از اعتبار و پایایی نتایج است. اعتبار در این پژوهش به معنای میزان تطابق یافته‌ها با واقعیت (Glyn, 2000) و پایایی به معنای امکان دستیابی به نتایج مشابه در صورت تکرار مطالعه (Pandit, 1996) در نظر گرفته شده است. گرچه پایایی در پژوهش‌های کیفی محل مناقشه است (گل‌افشانی، ۱۳۸۵)؛ اما در این مطالعه با رعایت موارد زیر، اعتبار و پایایی پژوهش تقویت شده است: استناد به ادبیات موضوع و مقایسه یافته‌های پژوهش با نتایج پیشین طراحی دستورالعمل مشخص برای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته ثبت، ضبط و تحلیل داده‌ها از طریق یک فرایند مدون، نمونه‌گیری نظری برای انتخاب

مشارکت‌کنندگان، ارائه یافته‌های پژوهش به سه نفر از خبرگان دانشگاهی و دریافت بازخورد جهت اصلاح و بهبود تحلیل‌ها، این اقدامات به پژوهش کمک کرده تا از دقت، انسجام و قابلیت اعتماد برخوردار باشد و نتایج آن مبنای معتبری برای تبیین مفهوم مورد مطالعه قرار گیرد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. آمار توصیفی مصاحبه‌شوندگان

حجم نمونه بر اساس اشباع نظری محاسبه شده است که شامل یازده نفر از شهروندان با پیشینه‌های متنوع دینی و اجتماعی است. مبنای مصاحبه‌ها، تحلیل هویت دینی در ایران بوده است. با استفاده از روش مصاحبه عمیق، نظرات یازده نفر در حوزه تغییرات هویت دینی جمع‌آوری شد. در این پژوهش، پس از یازده مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. در این تحقیق، با یازده نفر مصاحبه انجام شد که آمار توصیفی آن‌ها به شرح زیر است:

جدول ۱: آمار توصیفی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	تحصیلات	رشته شغلی	سابقه کاری
زن	کارشناسی	مشاور فرهنگی	۲۰ سال
مرد	دکتری	استاد جامعه‌شناسی	۱۵ سال
زن	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۸ سال
زن	کارشناسی ارشد	مربی دینی	۱۰ سال
مرد	کارشناسی	مدیر مدرسه	۱۲ سال
مرد	کارشناسی ارشد	استاد علوم دینی	۲۵ سال
مرد	کارشناسی	مدیریت فرهنگی	۸ سال
مرد	دکتری	علوم قرآن و حدیث	۱۷ سال
زن	کارشناسی	معلم فلسفه و منطق	۱۳ سال
زن	کارشناسی	معلم روان‌شناسی	۷ سال
مرد	کارشناسی ارشد	استاد تاریخ اسلام	۱۴ سال

همچنین برای بررسی تحولات هویت دینی، بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA)، این موضوع در چهار سطح لیتانی، علل اجتماعی، جهان‌بینی یا گفتمان و اسطوره یا استعاره تحلیل می‌شود. عواملی که در این چهار سطح بر مسئله تغییرات هویت دینی تأثیرگذارند، شناسایی و بررسی می‌شوند و راهکارهایی که در هر کدام از این سطوح می‌توانند برای تقویت و بازتعریف هویت دینی مؤثر باشند، ارائه می‌گردند. سپس، بر اساس دو سطح آخر (جهان‌بینی و اسطوره)، پیشران‌های عمده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که بر تحولات آینده هویت دینی در ایران مؤثر خواهند بود، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. با توجه به عدم قطعیت برخی از این پیشران‌ها، چهار سناریوی آینده برای هویت دینی در ایران تدوین شده است.

جدول ۲: علل کلان تغییر در هویت دینی

عوامل مؤثر	مسائل زمینه‌ای تغییر در هویت دینی
اجتماعی - فرهنگی	گسترش فردگرایی و کاهش اهمیت ارزش‌های جمعی دینی تأثیر فرهنگ جهانی‌شدن بر باورهای مذهبی کاهش نقش نهادهای مذهبی در تربیت اجتماعی افزایش تنوع فرهنگی و پذیرش دیدگاه‌های غیردینی تغییر سبک زندگی و فاصله گرفتن از مناسک دینی ضعف در آموزش دینی و کاهش اثرگذاری تربیت خانوادگی
اقتصادی	افزایش مشغله‌های اقتصادی و کمبود زمان برای مشارکت در امور دینی تأثیر تبلیغات و مصرف‌گرایی بر ارزش‌های دینی مهاجرت‌های اقتصادی و کاهش پیوستگی با محیط‌های مذهبی سنتی تغییر در الگوی کسب‌وکارها و فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی در تجارت
فناوری	تأثیر رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در تضعیف باورهای سنتی دسترسی گسترده به اطلاعات متضاد با تعالیم دینی کاهش نقش مساجد و مراکز دینی به دلیل افزایش فعالیت‌های آنلاین ظهور هوش مصنوعی و تکنولوژی‌های جدید که بر نحوه درک دین اثر می‌گذارند
کالبدی - فیزیکی	کاهش فضاهای عمومی مذهبی نظیر مساجد در شهرها افزایش شهرنشینی و کاهش تعاملات مذهبی در محیط‌های اجتماعی تغییر معماری و حذف نمادهای دینی در محیط‌های شهری کاهش نقش محله‌های مذهبی در هویت‌بخشی به ساکنان

کاهش مشارکت در مراسم مذهبی و سنت‌های دینی تغییر در برنامه‌های اجتماعی و عدم هم‌خوانی با مناسبت‌های دینی رقابت سرگرمی‌های مدرن با فعالیت‌های مذهبی کاهش کاربرد اصول دینی در حوزه‌های حقوقی، فرهنگی و اجتماعی	کارکردی - عملکردی
عدم اجرای قوانین مرتبط با حمایت از ارزش‌های دینی تداخل میان قوانین دینی و مدنی در جوامع مدرن تغییر در سیاست‌های آموزشی و حذف یا کاهش آموزش‌های دینی کاهش نظارت بر گسترش آموزه‌های غیرمذهبی در فضای عمومی	قانونی
تغییر در سیاست‌های فرهنگی و کاهش تأکید بر هویت دینی عدم هماهنگی سیاست‌های توسعه شهری با ارزش‌های دینی تأثیر سیاست‌های بین‌المللی بر باورهای دینی جوامع گسترش سکولاریسم در تصمیم‌گیری‌های کلان کشورها	سیاست‌گذاری‌ها

تغییر در هویت دینی تحت تأثیر عوامل متعددی است که در سطوح مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فناوری، کالبدی، کارکردی، قانونی و سیاست‌گذاری قابل بررسی هستند.

عوامل اجتماعی - فرهنگی شامل گسترش فردگرایی، تأثیر فرهنگ جهانی‌شدن، کاهش نهادهای مذهبی، افزایش تنوع فرهنگی، تغییر در سبک زندگی و ضعف در آموزش دینی است. این عوامل باعث می‌شوند که افراد از ارزش‌های جمعی دینی فاصله بگیرند، باورهای مذهبی‌شان تحت تأثیر فرهنگ جهانی قرار گیرد، نقش نهادهای مذهبی در تربیت اجتماعی کم‌رنگ شود و آموزش‌های دینی در خانواده‌ها و مدارس کاهش یابد.

عوامل اقتصادی شامل افزایش مشغله‌های اقتصادی، تأثیر تبلیغات و مصرف‌گرایی، مهاجرت‌های اقتصادی و تغییر در الگوهای کسب‌وکار است. این عوامل باعث می‌شوند که افراد زمان کمتری برای امور دینی داشته باشند، ارزش‌های دینی تحت تأثیر تبلیغات و مصرف‌گرایی قرار گیرند و ارتباط افراد با محیط‌های مذهبی سنتی کاهش یابد.

عوامل فناوری شامل تأثیر رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به اطلاعات متضاد با تعالیم دینی، کاهش نقش مساجد و مراکز دینی و ظهور فناوری‌های جدید است.

عوامل کالبدی - فیزیکی شامل کاهش فضاهای عمومی مذهبی، افزایش شهرنشینی، تغییر در رفتارهای مذهبی و حذف نمادهای دینی است. این تغییرات

باعث می‌شوند که دسترسی افراد به اماکن مذهبی کمتر شود، تعاملات دینی در محیط‌های اجتماعی کاهش یابد و نشانه‌های مذهبی از فضاهای شهری حذف شوند. عوامل کارکردی-عملکردی شامل کاهش مشارکت در مراسم مذهبی، تغییر در برنامه‌های اجتماعی، رقابت سرگرمی‌های مدرن و کاهش تأثیر آموزه‌های دینی است. این عوامل منجر به کاهش حضور افراد در مراسم مذهبی، عدم هماهنگی برنامه‌های اجتماعی با ارزش‌های دینی و کم‌رنگ شدن کاربرد اصول مذهبی در زندگی روزمره می‌شوند.

عوامل قانونی شامل عدم اجرای قوانین مربوط به حمایت از ارزش‌های مذهبی، تضاد میان قوانین دینی و مدنی، تغییر در سیاست‌های آموزشی و کاهش نظارت بر اصول و آموزه‌های دینی است. این عوامل منجر به عدم اجرای قوانین حمایتی از ارزش‌های مذهبی، ایجاد تناقض بین قوانین دینی و مدنی و کاهش آموزش‌های دینی در مدارس می‌شود.

عوامل سیاست‌گذاری شامل تغییر در سیاست‌های فرهنگی، عدم تطابق توسعه شهری با ارزش‌های مذهبی، تأثیر سیاست‌های بین‌المللی و گسترش سکولاریسم است. این موارد باعث کاهش تأکید بر هویت دینی در سیاست‌های فرهنگی، ناهماهنگی توسعه شهری با ارزش‌های دینی و تأثیر سیاست‌های جهانی بر باورهای مذهبی جوامع می‌شود.

جدول ۳: تحلیل تغییرات هویت دینی در عصر جهانی‌شدن

سطوح	موضوع یا مسئله	نمونه راهکارهای پیشنهادی
لیتانی	کاهش پابندی به هویت دینی	طراحی برنامه‌های فرهنگی متناسب با نیازهای نسل جدید استفاده از فناوری‌های نوین برای ترویج ارزش‌های دینی (ایجاد اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های مذهبی آنلاین) ایجاد جذابیت در مناسک و آیین‌های دینی برای نسل جوان (مدرن‌سازی مراسم مذهبی)
علل اجتماعی	افزایش دین‌داری دیجیتال	تدوین احکام و دستورالعمل‌های فقهی مرتبط با عبادات دیجیتال توسعه مساجد و اماکن مذهبی مجازی برای حضور آنلاین دین‌داران ارائه آموزش‌های دینی در بسترهای دیجیتال برای تقویت هویت دینی در فضای مجازی

<p>برگزاری مناسک دینی ترکیبی (حضور و مجازی) برای جذب گروه‌های مختلف ترویج سبک زندگی معنوی همگام با تغییرات فناوری و اجتماعی</p>	<p>افزایش سکولاریزاسیون و کاهش مشارکت در مناسک دینی</p>	
<p>تقویت پیوندهای اجتماعی در قالب تشکل‌های دینی و اجتماعات مذهبی آنلاین بازتعریف نقش دین در زندگی مدرن از طریق تعامل میان سنت و فناوری توجه به نیازهای معرفتی و عقلانی دین برای نسل جدید با ارائه محتوای دینی جذاب و متناسب با نیازهای روز اصلاح نگرش عمومی نسبت به دین از طریق آموزش و رسانه (ساخت برنامه‌های آموزشی و محتوای رسانه‌ای دینی)</p>	<p>تغییر سبک زندگی و فردگرایی</p>	
<p>تقویت جایگاه نهادهای دینی از طریق ارائه خدمات اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه مشارکت فعال روحانیت و اندیشمندان دینی در حل چالش‌های روزمره جامعه</p>	<p>افزایش سکولاریزاسیون و کاهش سرمایه اجتماعی نهادهای دینی</p>	
<p>توسعه فناوری‌های دیجیتال دینی و ترویج آموزش‌های دینی از طریق هوش مصنوعی و اپلیکیشن‌ها طراحی الگوریتم‌های اخلاقی و دینی در فناوری‌های نوین (مانند هوش مصنوعی)</p>	<p>فناوری محور شدن دین‌داری</p>	
<p>تبیین نقش دین در زندگی مدرن و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه از طریق تعامل میان سنت و مدرنیته تقویت جایگاه دین در نهادهای اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر عقلانیت و معنویت گسترش تفکر انتقادی و تأملی در مسائل دینی برای ایجاد تصویری پویا از دین</p>	<p>کاهش نفوذ دین در عرصه عمومی</p>	<p>جهان‌بینی یا گفتمان</p>
<p>ارائه تفسیری جدید از دین که با تحولات مدرن سازگار باشد پذیرش نوآوری در نهادهای دینی برای تسهیل تطبیق دین با تغییرات جامعه</p>	<p>تقابل دین و مدرنیته</p>	

ظهور گروه‌های فعال مذهبی با نقش‌آفرینی اجتماعی	حمایت از فعالیت‌های اجتماعی دینی نظیر خیریه‌ها و کمپین‌های معنوی برای جلب مشارکت عمومی
دین صرفاً متعلق به گذشته است.	تأکید بر دین به‌عنوان نیروی هدایت‌گر در تمامی دوران و نه صرفاً یک عنصر تاریخی
هویت دینی مانعی برای پیشرفت است.	بازتعریف دین به‌عنوان یک عامل توسعه فردی و اجتماعی که با تغییرات زمانه همگام است
اسطوره یا استعاره	نشان دادن تأثیر دین در ایجاد پیوندهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی برای یک جامعه پایدار
دین دیجیتال به معنای تضعیف دین‌داری سنتی است.	تبیین رویکرد «دین دیجیتال» به‌عنوان یک ابزار مکمل برای تقویت دین‌داری، نه جایگزینی برای مناسک سنتی

این تحلیل نشان می‌دهد که همان‌طور که جهانی شدن باعث تغییر در هویت مکانی و اجتماعی محلات شده است، هویت دینی نیز تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، اقتصادی، و فناورانه قرار گرفته و در حال دگرگونی است.

سناریو اول: فناوری‌محور (دین دیجیتال)

سناریوی فناوری‌محور (دین دیجیتال) یک چشم‌انداز محتمل برای آینده هویت دینی در ایران است که با استفاده از رویکرد تحلیل لایه‌های علت‌ها (CLA) قابل بررسی است. استعاره-اسطوره این سناریو «مسجد مجازی» است که نشان‌دهنده تغییر ماهیت مکان‌های مذهبی از فضاهای فیزیکی به فضاهای مجازی است. در این سناریو، مسجد و سایر اماکن مذهبی به شکل پلتفرم‌های آنلاین و اپلیکیشن‌های موبایل در دسترس قرار می‌گیرند. گفتمان و جهان‌بینی این سناریو این است که دین با فناوری تلفیق شده و آیین‌ها و مناسک مذهبی عمدتاً به شکل آنلاین و مجازی برگزار می‌شوند. در این جهان‌بینی، فناوری نه تنها ابزاری برای تسهیل دسترسی به محتوای دینی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه دینی است. آیین‌ها و مناسک مذهبی، مانند نماز جماعت،

روضة‌خوانی و مراسم عزاداری، به شکل آنلاین و مجازی برگزار می‌شوند و افراد می‌توانند از هر مکانی در آن‌ها شرکت کنند.

علل اجتماعی این سناریو عبارتند از: دیجیتالی شدن ارتباطات اجتماعی، تغییر در سبک زندگی و افزایش فردگرایی که باعث کاهش حضور فیزیکی در اماکن مذهبی شده و دین‌داری به شکل فردی و در فضای مجازی دنبال می‌شود. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، ارتباطات اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای به فضای مجازی منتقل شده است. این امر باعث کاهش تعاملات حضوری و در نتیجه، کاهش حضور افراد در اماکن مذهبی می‌شود. سبک زندگی مدرن با ویژگی‌هایی مانند مشغله‌های کاری زیاد، ترافیک سنگین، و تنوع سرگرمی‌ها، فرصت کمتری برای حضور در اماکن مذهبی باقی می‌گذارد. در جوامع مدرن، فردگرایی به‌عنوان یک ارزش مهم تلقی می‌شود. این نگرش باعث می‌شود افراد به دنبال تجربه‌های فردی و مستقل از جمع باشند و دین‌داری را نیز به شکل فردی و در فضای مجازی دنبال کنند.

سطح لیتانی این سناریو شامل کاهش مشارکت حضوری در مناسک دینی، افزایش اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های مذهبی آنلاین، گسترش فقه و عبادات دیجیتال است. با افزایش دین‌داری دیجیتال، مشارکت حضوری در مناسک دینی کاهش می‌یابد. برای پاسخ‌گویی به نیازهای دین‌داران دیجیتال، اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های مذهبی آنلاین متنوعی طراحی و عرضه می‌شوند. فقها و علمای دینی به تدریج به تدوین احکام و دستورالعمل‌های مربوط به فقه و عبادات دیجیتال می‌پردازند. در این آینده، هویت دینی دیجیتالی می‌شود، دین‌داری سنتی کمرنگ شده و رابطه فرد با دین بیشتر به‌واسطه فناوری شکل می‌گیرد. در این سناریو، هویت دینی به‌طور فزاینده‌ای به فضای مجازی منتقل می‌شود و دین‌داری سنتی، با ویژگی‌هایی مانند حضور در اماکن مذهبی و مشارکت در مناسک جمعی، کمرنگ می‌شود. رابطه فرد با دین بیشتر به‌واسطه فناوری شکل می‌گیرد و افراد از طریق اپلیکیشن‌ها، پلتفرم‌ها، و شبکه‌های اجتماعی با محتوای دینی ارتباط برقرار می‌کنند.

سناریو دوم: فروپاشی (افول هویت دینی)

سناریوی فروپاشی (افول هویت دینی) یک چشم‌انداز نگران‌کننده برای آینده هویت دینی در ایران است. این سناریو با استعاره-اسطوره «دین در حاشیه» توصیف می‌شود که نشان‌دهنده کاهش نقش و تأثیر دین در زندگی اجتماعی و فرهنگی است. در این سناریو، دین از مرکز توجه و تأثیرگذاری به حاشیه رانده می‌شود و دیگر به‌عنوان یک

عنصر اساسی در هویت ایرانی شناخته نمی‌شود. گفتمان و جهان‌بینی این سناریو این است که دین از مرکز زندگی اجتماعی و فرهنگی به حاشیه رانده شده و دیگر به‌عنوان یک عنصر اساسی در هویت ایرانی شناخته نمی‌شود. در این جهان‌بینی، دین به یک امر شخصی و خصوصی تبدیل می‌شود و نقش اجتماعی خود را از دست می‌دهد. ارزش‌های سکولار و مادی جایگزین ارزش‌های دینی می‌شوند و دین به تدریج از فضاهای عمومی و نهادهای اجتماعی حذف می‌شود.

علل اجتماعی این سناریو عبارتند از: افزایش سکولاریزاسیون، کاهش سرمایه اجتماعی نهادهای دینی، تغییر ارزش‌های نسل جدید و کاهش انتقال سنت‌های دینی بین نسل‌ها. با گسترش ارزش‌های سکولار و مادی، دین به تدریج از زندگی اجتماعی و فرهنگی حذف می‌شود. نهادهای دینی به دلیل عدم انطباق با نیازهای جامعه مدرن و ضعف در ارائه خدمات اجتماعی، سرمایه اجتماعی خود را از دست می‌دهند. نسل جدید با ارزش‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های گذشته بزرگ می‌شود و به تدریج از ارزش‌های دینی فاصله می‌گیرد. به دلیل تغییر سبک زندگی و کاهش تعاملات خانوادگی، سنت‌های دینی به نسل‌های جدید منتقل نمی‌شود.

سطح لیتانی این سناریو شامل کاهش تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم مذهبی، افزایش گسست بین نسل‌ها در دین‌داری، تبدیل دین به امری شخصی و خصوصی است. با کاهش اهمیت دین در زندگی اجتماعی، تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم مذهبی کاهش می‌یابد. نسل جدید با ارزش‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های گذشته بزرگ می‌شود و به تدریج از ارزش‌های دینی فاصله می‌گیرد. دین به تدریج از فضاهای عمومی و نهادهای اجتماعی حذف می‌شود و به یک امر شخصی و خصوصی تبدیل می‌شود. در نتیجه، در این آینده، دین نقش اجتماعی خود را از دست داده و بیشتر به یک موضوع فردی یا فرهنگی تبدیل می‌شود. نهادهای دینی ضعیف می‌شوند و تأثیر خود را بر جامعه از دست می‌دهند. ارزش‌های سکولار و مادی جایگزین ارزش‌های دینی می‌شوند و جامعه به سمت یک جامعه سکولار پیش می‌رود.

سناریو سوم: دوام (دین پایدار)

سناریوی دوام (دین پایدار) یک چشم‌انداز خوش‌بینانه برای آینده هویت دینی در ایران است. در این سناریو، دین همچنان به‌عنوان یک عنصر محوری در جامعه باقی می‌ماند، اما با تغییرات اجتماعی و فرهنگی سازگار می‌شود. استعاره-اسطوره این سناریو «دین به‌عنوان ستون جامعه» است که نشان‌دهنده نقش مهم و پایدار دین در ساختار

اجتماعی و فرهنگی است. گفتمان و جهان‌بینی این سناریو این است که دین همچنان به‌عنوان محور فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود؛ اما با تغییرات جزئی در شیوه‌های اجرا و باورها، خود را با تغییرات اجتماعی وفق می‌دهد. در این جهان‌بینی، دین نه تنها به‌عنوان یک نظام اعتقادی، بلکه به‌عنوان یک منبع ارزش‌ها و اخلاق در جامعه عمل می‌کند.

علل اجتماعی این سناریو عبارتند از: تقویت نقش نهادهای دینی در پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر، تطبیق آموزه‌های دینی با چالش‌های روز و حمایت از فعالیت‌های اجتماعی دینی. نهادهای دینی با ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی متناسب با نیازهای جامعه مدرن، نقش خود را در جامعه تقویت می‌کنند. آموزه‌های دینی با استفاده از روش‌های تفسیری نوین، با چالش‌های روز انطباق پیدا می‌کنند. فعالیت‌های اجتماعی دینی، مانند کمک به نیازمندان و حمایت از محیط زیست، مورد حمایت قرار می‌گیرند. سطح لیتانی این سناریو شامل استمرار مناسک دینی، حفظ جایگاه دین در قانون و سیاست، افزایش برنامه‌های فرهنگی دینی برای نسل جدید است. مناسک دینی، مانند نماز و روزه، به‌طور منظم برگزار می‌شوند. جایگاه دین در قانون و سیاست، از طریق قوانین و سیاست‌های حمایتی، حفظ می‌شود. برنامه‌های فرهنگی دینی، مانند مسابقات قرآن و اردوهای مذهبی، برای نسل جدید برگزار می‌شوند. در نتیجه، در این آینده، دین همچنان پابرجا می‌ماند اما با تحولات اجتماعی و فرهنگی سازگار می‌شود و نقش خود را حفظ می‌کند. دین نه تنها به‌عنوان یک نظام اعتقادی، بلکه به‌عنوان یک منبع ارزش‌ها و اخلاق در جامعه عمل می‌کند و به تقویت انسجام اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند.

سناریو چهارم: پاسداران ایمان؛ پیشگامان ترویج هویت دینی در عصر تحول  
سناریو چهارم، که به افرادی با تعلق عمیق به هویت دینی و فعالیت در ترویج آن اختصاص دارد، نشان‌دهنده یک گروه پویا و تأثیرگذار در جامعه است. این افراد با اعتقاد راسخ به ارزش‌های دینی خود، نقش مهمی در حفظ و گسترش این ارزش‌ها ایفا می‌کنند. آن‌ها دارای باورهای عمیق و استوار دینی هستند و هویت دینی خود را بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود خود می‌دانند. این افراد به‌طور فعال در جهت ترویج ارزش‌های دینی در جامعه تلاش می‌کنند و از روش‌های مختلف برای این منظور استفاده می‌کنند. آن‌ها هویت دینی را نه تنها یک امر شخصی، بلکه عاملی مهم در تعیین سرنوشت اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌دانند و با استواری از ارزش‌های دینی

خود در برابر چالش‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند. برای تقویت این نگرش، حمایت از نهادهای دینی می‌تواند به تقویت فعالیت‌های آن‌ها در جهت ترویج ارزش‌های دینی کمک کند. ایجاد فرصت‌های آموزشی و فرهنگی برای گسترش معرفت دینی می‌تواند به افزایش آگاهی و درک افراد نسبت به ارزش‌های دینی کمک کند. ترویج سبک زندگی مبتنی بر معنویت در کنار پیشرفت‌های علمی و اجتماعی می‌تواند به ایجاد تعادل در زندگی افراد کمک کند. این گروه نقش مهمی در حفظ و تقویت ارزش‌های دینی در جامعه ایفا می‌کند و می‌توانند به‌عنوان الگوهای برای دیگران در پیروی از ارزش‌های دینی عمل کنند. فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای با ارزش‌های اخلاقی و معنوی قوی‌تر کمک کند. به‌طور خلاصه، افرادی که تعلق عمیق به هویت دینی دارند و در ترویج آن فعال‌اند، نقش بسیار مهمی در جامعه ایفا می‌کنند. حمایت از این گروه و تقویت فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند به حفظ و گسترش ارزش‌های دینی و ایجاد جامعه‌ای بهتر کمک کند. با توجه به این سناریو، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: اهمیت هویت دینی، نقش فعال دین‌داران، نیاز به حمایت و تأثیر مثبت. این سناریو نشان می‌دهد که دین می‌تواند نقش مهمی در جامعه ایفا کند و دین‌داران می‌توانند با فعالیت‌های خود، به بهبود جامعه کمک کنند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحولات مدرنیته و جهانی‌شدن، تأثیرات عمیقی بر هویت دینی در ایران داشته و منجر به تغییر سبک زندگی، گسترش فردگرایی و کاهش نقش نهادهای دینی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و دینی شده است. تحلیل علل این تغییرات نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فناوری در آن نقش دارند. آینده هویت دینی در ایران می‌تواند سه مسیر متفاوت را طی کند:

با توجه به سناریوهای مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که آینده هویت دینی در ایران با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبرو است. هر یک از سناریوها، جنبه‌های مختلفی از این آینده را به تصویر می‌کشند و نشان می‌دهند که عوامل گوناگونی می‌توانند بر مسیر تحولات هویت دینی تأثیرگذار باشند. سناریوی فناوری محور (دین دیجیتال) نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین می‌توانند نقش مهمی در تغییر شکل دین‌داری ایفا کنند و ضرورت توجه به ابعاد فقهی و فرهنگی دین‌داری دیجیتال را مورد تأکید قرار می‌دهد. سناریوی فروپاشی (افول هویت دینی) هشدار می‌دهد که به پیامدهای بی‌توجهی به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی و اهمیت تقویت نهادهای

دینی و پاسخ‌گویی به نیازهای نسل جدید را یادآوری می‌کند. سناریوی دوام (دین پایدار) نشان می‌دهد که امکان سازگاری دین با تغییرات اجتماعی و فرهنگی وجود دارد و ضرورت پویایی و انعطاف‌پذیری نهادهای دینی را مورد تأکید قرار می‌دهد. سناریوی چهارم (نگهبانان ارزش‌ها) اهمیت نقش افراد دین‌دار و فعال در حفظ ارزش‌های دینی را نشان می‌دهد و نیاز به حمایت از این گروه و تقویت فعالیت‌های آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد. به‌طور کلی، این سناریوها نشان می‌دهند که آینده هویت دینی در ایران، آینده‌ای قطعی و از پیش تعیین‌شده نیست. بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد که می‌توانند در تعامل با یکدیگر، مسیر تحولات را شکل دهند. برای حفظ و تقویت هویت دینی در ایران، لازم است به چالش‌های پیش‌رو توجه شود و راهکارهای مناسب برای مقابله با آن‌ها اتخاذ گردد. در عین حال، باید از فرصت‌های موجود برای ارتقای نقش دین در جامعه بهره‌برداری کرد.

با توجه به سناریوهای مطرح شده، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای تقویت هویت دینی در ایران ارائه کرد:

- ❖ تقویت نهادهای دینی: نهادهای دینی باید با نیازهای جامعه مدرن سازگار شوند و خدمات اجتماعی و فرهنگی متنوعی را به افراد ارائه دهند. این نهادها می‌توانند با استفاده از فناوری‌های نوین، ارتباط خود را با نسل جدید تقویت کنند و محتوای دینی را به شکل جذاب و قابل فهم ارائه دهند. همچنین، لازم است نهادهای دینی در زمینه‌هایی مانند مشاوره خانواده، کمک به نیازمندان، و حمایت از محیط زیست فعالیت‌های خود را گسترش دهند.
- ❖ ارتقای آموزش‌های دینی: آموزش‌های دینی باید مبتنی بر استدلال و عقلانیت باشند و به افراد کمک کنند تا باورهای دینی خود را به‌طور آگاهانه انتخاب کنند. این آموزش‌ها باید به شبهات و تردیدهای دینی پاسخ دهند و به افراد کمک کنند تا دین را با زندگی مدرن خود هماهنگ کنند. همچنین، لازم است آموزش‌های دینی در مدارس و دانشگاه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شوند که ضمن احترام به آزادی فردی، به افراد کمک کنند تا درک عمیق‌تری از نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی پیدا کنند.
- ❖ حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دینی: حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دینی می‌تواند به ایجاد فضاهای جایگزین برای مشارکت افراد در فعالیت‌های دینی و اجتماعی کمک کند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل برگزاری مراسم مذهبی، مسابقات قرآن، اردوهای مذهبی و فعالیت‌های خیریه

- باشند. همچنین، لازم است از تولید محتوای فرهنگی که بتواند ارزش‌های دینی را در قالب هنر، ادبیات و رسانه‌های مدرن ارائه دهد، حمایت شود.
- ❖ ایجاد فضاهای گفت‌وگو: ایجاد فضاهای امن و آزاد برای گفت‌وگو بین نسل‌های مختلف و بین افراد با دیدگاه‌های متفاوت، می‌تواند به درک بهتر چالش‌های پیش‌رو و یافتن راه‌حل‌های مناسب کمک کند. این گفت‌وگوها می‌توانند به تبادل نظر در مورد مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی کمک کنند و به ایجاد تفاهم و همدلی بین افراد مختلف جامعه منجر شوند.
- ❖ توجه به نقش فناوری: فناوری‌های نوین می‌توانند نقش مهمی در تقویت هویت دینی ایفا کنند. لازم است از این فناوری‌ها برای ارائه محتوای دینی، برگزاری مراسم مذهبی و ارتباط با نسل جدید استفاده شود. همچنین، لازم است به ابعاد فقهی و فرهنگی دین‌داری دیجیتال توجه شود و راهکارهای مناسب برای مدیریت این فضاها ارائه گردد.

## References

- Abbaszadeh, M., Kouhi, K., & Khajehbishak, A. (2014). The influence of domestic and foreign media on commitment to religious lifestyle among citizens aged 15–65 in Tabriz. *Cultural Studies Quarterly*, 12(4), 310–330.
- Azizi, M., & Azizi, M. (2023). Formation of Muslim Religious Identity: Factors Reinforcing Religious Identity among a Sample of University Muslim Students. *International Journal of Social Studies*, 45(2), 120-135.
- Azizi, M., & Azizi, M. (2023). Formation of Muslim Religious Identity: Factors Reinforcing Religious Identity among a Sample of University Muslim Students. *International Journal of Social Studies*, 45(2), 120–135.
- Bahner, N., & Jafari, T. (2012). Television and its impact on religious, group, and gender identity in Iran: A cultivation theory study. *Communication and Culture Studies*, 13(17), 7–44.
- Behrouzi Lak, G. R., & Sarabedani Tafreshi, A. (2024). Analyzing the effects of cyberspace drivers on religious governance in the Islamic Republic of Iran. *Futures Studies of the Islamic Revolution*, 4(4), 59–96. Retrieved from fsir.ihu.ac.ir
- Campbell, H. A., & Tsuria, R. (2017). *Digital Religion: Understanding Religious Practice in Digital Media*. Routledge.
- Campbell, H. A., & Tsuria, R. (2017). *Digital Religion: Understanding Religious Practice in Digital Media*. Routledge.
- Cheng, Q. (2019). The Influence of Parental Parenting Styles on Internet Addiction of University Students by Gender: The Mediating Role of Life Satisfaction. *Asian Journal of Psychology*, 27(3), 45-60.
- Cheng, Q. (2019). The Influence of Parental Parenting Styles on Internet Addiction of University Students by Gender: The Mediating Role of Life Satisfaction. *Asian Journal of Psychology*, 27(3), 45–60.
- Daraeitabar, H. (2020). The impact of cyberspace (Internet) on religious education and identity of students: Threats and solutions. 1st National Conference on Applied Research in Educational Processes, Minab.
- Eliade, M. (1999). *The Sacred and the Profane* (N. Zangouei, Trans.). Tehran: Soroush. (Original work published 1957).
- Fateh Rad, M., Jalilvand, M. R., Molaei, M. M., Samiei, S., & Nasrollahi Vasati, L. (2013). Methodological features of futures studies as a trans-paradigmatic integrated field. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 6(1), 135–161. Retrieved from SID.
- Ghanbari Barzian, A., & Hemmati, R. (2015). Religious identity in Iranian society: A systematic review of conducted studies (2001–2013). *Applied Sociology*, 26(3), 117–138.

- Giddens, A. (1999a). *Modernity and Self-Identity: Society and Personal Identity in the Late Modern Age* (N. Movafaghian, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (Original work published 1991).
- Golafshani, N., & Mozaffari, Z. (2006). Validity and reliability in qualitative research. *Future Management*, 4(13-14), [pages not specified].
- Hamidzadeh, K., & Jonaid, F. S. (2023). Analysis of attention to national and religious identity components in elementary Persian textbooks. *Journal of Education*, 28(2), 85-102.
- Hampson, G. P. (2010). Integral Futures and Causal Layered Analysis: A Critical Exploration. *Journal of Futures Studies*, 15(2), 21-38.
- Hampson, G. P. (2010). Integral Futures and Causal Layered Analysis: A Critical Exploration. *Journal of Futures Studies*, 15(2), 21-38.
- Inayatullah, S., & Milojevic, I. (2009). *Futures Studies with the Method of Causal Layered Analysis, Vol. 1* (M. Mobsari & M. Yousefian, Trans.). Tehran: Shakib Publishing.
- Inayatullah, S., & Milojević, I. (2015). *CLA 2.0: Transformative Research in Theory and Practice*. Tamsui, Taiwan: Tamkang University Press.
- Inayatullah, S., & Milojević, I. (2015). *CLA 2.0: Transformative Research in Theory and Practice*. Tamsui, Taiwan: Tamkang University Press.
- Karamatzadeh, M. (2017). The role of cognitive metaphors in futures studies: Analyzing Sohail Inayatullah's views. *Iranian Journal of Futures Studies*, 1(1), 15-32.
- Kassel, F. (2004). *Summary of Anthony Giddens' Works* (M. Chavoshian, Trans.). Tehran: Qoqnoos.
- Laughey, D. (2007). *Key Themes in Media Theory*. McGraw Hill Publication.
- Laughey, D. (2007). *Key Themes in Media Theory*. McGraw Hill Publication.
- Moshkeni, Q., Sohrabzadeh, M., Babaei Fard, A., & Hajiani, A. (2023). Futures studies on the identity crisis of youth in the horizon of Iran 2031. *Futures Studies of the Islamic Revolution*, 4(4), 59-96. Retrieved from fsir.ihu.ac.ir
- Rajabtabar Darvishi, F., Yahyazadeh, S., & Hosseini, S. H. (2016). The relationship between parenting styles, religious attitude, and mental health in female students. *Behavioral Sciences Research*, 14(3), 230-250.
- Ramos, J. W. (2003). *A Primer on Futures Studies*. Routledge.
- Ramos, J. W. (2003). *A Primer on Futures Studies*. Routledge.
- Reference

- Serajzadeh, S. H., & Rahimi, F. (2013). The relationship between religiosity and meaning in life among university students. *Cultural Strategy*, 6(24), 7–30. Retrieved from SID.
- Shojaei Zand, A. (2001). Religion as a comprehensive way of life. *Islamic Government Journal*, 42, 23–50.
- Shojaei Zand, A. (2005). A model for measuring religiosity in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 6(1), 34–66.
- Smith, J., & Adamczyk, A. (2022). Parental Religiosity, Parenting Styles, and Intergenerational Religious Transmission. *Journal of Family Studies*, 29(1), 110-125.
- Smith, J., & Adamczyk, A. (2022). Parental Religiosity, Parenting Styles, and Intergenerational Religious Transmission. *Journal of Family Studies*, 29(1), 110–125.
- Weber, M. (1922). *The Sociology of Religion*. Beacon Press.
- Weber, M. (1922). *The Sociology of Religion*. Beacon Press.
- Wuthnow, R. (1998). *After Heaven: Spirituality in America Since the 1950s*. University of California Press.
- Wuthnow, R. (1998). *After Heaven: Spirituality in America Since the 1950s*. University of California Press.